

عارف، حنجره انقلاب مشروطه (نگاهی به تأثیر انقلاب مشروطه بر موسیقی ایران)



شهرام آقایی پور

پیش درآمد

هنر، از ذات زندگی اجتماعی می‌تراود و موسیقی هم به عنوان انزاعی‌ترین هنرها نمی‌تواند جدا از اجتماع و زندگی افراد باشد. این هنر لطیف همواره مانند دیگر مقولات هنری و ادبی، تابع تحولات اجتماعی بوده و در بستر تحولات و تغییرات اجتماعی، تطور و بازگونی می‌پذیرد.

قرن‌هاست که در ایران، موسیقی به رنگ شادیاها و غمهای مردم میهن ما درآمده؛ گاه خندیده و گاه گریسته است. اما با توجه به سینه به سینه نقل شدن موسیقی قدیم ایران، آثار چندانی از آن ایام جز برخی افسانه‌ها و روایات به دست ما نرسیده است.

در دوره قاجار با مکتوب و مضبوط شدن موسیقی، نمونه‌هایی از نمود تحولات اجتماعی در موسیقی به ثبت رسیده است. از این قبیل است: تصنیف لطفعلی خان در شرح رشادتهای وی، تصنیف آغا محمدخان درباره جنایات وی در کرمان، تصنیف شاه کج کلاه در گرانی نان دوره ناصرالدین شاه، تصنیف لیلی مربوط به دختر کنت منت فرت رئیس پلیس تهران، تصنیف ماشین دودی درباره افتتاح قطار شاه عبدالعظیم، تصنیف ابجی مظفر برای تاجگذاری مظفرالدین شاه و... (۱)

این ترانه‌ها، راهی برای انعکاس اعتراضهای مردم ستمدیده از جور حکام و مستبدان بوده است و کم نیستند آثار طنزآمیزی که درباره سلاطین و دولتمردان ظالم ساخته شده و در میان مردم و در محافل و مجالس گوناگون خوانده می‌شده است. لازم به ذکر است که آثاری از این دست، تا حدودی خارج از حوزه ادبیات و موسیقی رسمی کشور بود. این ترانه‌های کوچک و بازار، فریاد

مردم حق طلب است، و از این روست که نام سازندگان آنها نامعلوم است و حتی مشخص نیست با چه آهنگی خوانده می‌شده است. اما این تصانیف اجتماعی را، می‌توان حالت انتقالی و گذار به انقلاب ترانه‌سرایی دانست که در دوره مشروطه به اوج خود رسید.

نگاهی به تصنیف

تصنیف در لغت به معنای گونه‌گون ساختن چیزی، جدا کردن، نگارش و جمع‌آوری می‌باشد (۲)؛ اما در اصطلاح موسیقی به کلامی اطلاق می‌گردد که به نحوی از انحاء، با موسیقی همراه باشد. بنابراین عناصر عمده تصنیف را شعر و موسیقی تشکیل می‌دهد. (۳)

ادوارد براون مستشرق انگلیسی، در مورد قدمت تصنیف می‌گوید:

"شکی ندارم که تصنیف یا سروده‌های عامیانه، از ازمینه بسیار قدیم حتی قبل از اسلام نیز در ایران وجود داشته است." (۴)

سرودهای باستان، خسروانی، قول و غزل، فهلویات، حراره و... از انواع قدیمی انطباق شعر و موسیقی است که در تاریخ ضبط است.

تصنیف به صورت کنونی، پدیده‌ای نسبتاً جدید در ادبیات ایران است و می‌توان گفت هنگامی که شعر و موسیقی از دربار سلاطین قدم بیرون نهاد و به دست مردم افتاد، شکل تصنیف را برای خود انتخاب کرد.

با این شرح، قدیمی‌ترین تصنیف‌سازی که در صفحات تاریخ ادبیات آهنگین ایران می‌شناسیم، علی‌اکبر شیدا (۱۲۸۵-۱۳۲۲ش.) است. او، از احیاکنندگان تصنیف به صورت درخور و خارج از ابتدال بود که به آن آبرویی



عارف قزوینی در میان جمعی از دوستان ارشدش

بخشید. روح الله خالقی می گوید:
از تصنیف آنچه قبل از شیدا متداول بود از لحاظ شعر و معنی و آهنگ، کم تر مورد توجه به شمار می آمد و حتی اشعارش دارای کلمات مبتدل و رکیک بود. (۵)

مقارن همین ایام بود که ابوالقاسم عارف، شاعر، موسیقیدان و خواننده عصر قاجار، قالب تصنیف را - که هم کلام و هم نغمه را یکجا با خود داشت - برای بیان مضامین اجتماعی و سیاسی خویش برگزید و به آن تشخیص ویژه بخشید. او با سرودن اشعار انقلابی و استوار کردن آهنگهای زیبا، با سلاح تصنیف در صف مشروطه خواهان قرار گرفت و پایه پای آنان با استبداد مبارزه کرد.

زندگی عارف

عمرم گهگی به هجر و گهگی در سفر گذشت
تاریخ زندگی همه در درد سر گذشت

این بیت، روی سنگ قبر کوچکی در جوار مقبره بوعلی سینا در همدان حک شده که خلاصه زندگی کوتاه مردی بزرگ است. ابوالقاسم عارف مشهور به عارف قزوینی، شاعر ملی ایران در حدود سال ۱۳۰۰ق. در قزوین به دنیا آمد. پدرش ملا هادی وکیل بود که در قزوین به وکالت اشتغال داشت. تحصیلات عارف در قزوین صورت پذیرفت. حین تکمیل علوم متداول و ممارست در ادبیات، نزد سه معلم خوشنویسی مشق می کرد. نمونه های به جا مانده از خط عارف، نشان می دهد که او در شکسته نستعلیق، دستی قوی داشته و بسیار زیبا تحریر می کرده است. او در همان وقت به تحصیل موسیقی پرداخت و با دستگاههای موسیقی به تمام و کمال آشنا شد و به رموز آن پی برد. (۶)

تأثیر نهضت مشروطه بر موسیقی

تا قبل از مشروطیت، یگانه محل استخدام و عرض اندام هنرمندان، دربار پادشاهان و اشراف بود. بارید در دربار خسرو پرویز و درویش خان در دستگاه شجاع السلطنه خدمت می کرد. از این روست که مسائل خصوصی درباریان از دیدگاه هنرمندان درباری اهمیت ویژه ای داشت؛ به گونه ای که مثلاً مرگ شیدیز، اسب خسرو پرویز، موجب آفرینش قطعه ای به نام "شیدیز" گردید ولی مسائل با اهمیت زندگی مردم از روزه دید هنرمندان پنهان می ماند، و عمدتاً مردم و مسائل آنان در آثار هنری جایگاهی نداشت. از این رو، تا انقلاب مشروطه - که هنر به بیرون از دربار آورده شد - آن چنان آثار بارز شی خلق نشده است و از آن برهه به بعد است که هنرمندان به میان مردم آمدند و در مجامع عمومی شرکت کردند؛ اولین کنسرتها پا گرفت و شنیدن صدای ساز و آواز برای عده ای از مردم میسر شد. مضامینی از قبیل آزادی و آزادگی و دادخواهی در موسیقی ایران مطرح شد و کلماتی چون وطن، دولت، ملت، آزادی، مساوات و عدالت،

عارف از موهبت صدای خوش هم بهره مند بود. استاد علی اکبر شهنازی نوازنده توانای تار، در مورد کیفیت صدای عارف می گوید: "عارف دو دانگ صدای عالی و باحالی داشت." (۷)

مرتضی عبدالرسولی، ستورنواز و خوشنویس معروف - که آواز عارف را در کنسرت شنیده - اظهار می دارد: "عارف صدایی گرم، ملیح و بسیار لطیف و ظریف داشت، نظیر صدای استاد غلامحسین بنان، اما با اوج و وسعت بیش تر." (۸)

عارف در سال ۱۳۱۶ق. اولین باری بود که وارد تهران می شد و با هنری که داشت، با شاهزادگان قاجار و دربار مظفرالدین شاه رابطه برقرار کرد و به ندیمی موقوف الدوله و اتابک صدر اعظم انتخاب شد؛ ولی او - که طبعاً انسانی آزاده بود - با زیرکی از زیر این بار، شانه خالی کرد.

او میهن دوست و آزادیخواه بود و بدین لحاظ با حرکت مشروطه خواهی همراه شد تا بدانجا که در سال ۱۳۳۵ق. همراه مهاجران به کرمانشاه رفت و با حکومت موقتی - که تحت ریاست نظام السلطنه مافی در آنجا تشکیل شده بود - همراهی کرد و پس از آن با نیت اتحاد دنیای اسلام، با عده ای به استانبول مهاجرت کرد. (۹) او آرام و قرار نداشت و در همه این ایام، با سرودن اشعار و ساختن تصنیفهای پر شور، رؤیای آزادی در سر می پروراند.

او بعد از سر خوردگی، در دوره سلطنت رضاشاه به تبعیدی خودخواسته در همدان تن داد تا اینکه بر اثر بروز اندوه و تألمات روحی، در دوم بهمن ۱۳۱۲ش. جان به جان آفرین سپرد و روی در نقاب خاک کشید.

ویژگی تصانیف عارف

عارف، اولین کسی است که از تصنیف برای بیان مقاصد سیاسی استفاده کرد. او می گوید:

"وقتی من تصنیف وطنی ساختم که ایرانی، از هر ده هزار نفر یکی نمی دانست وطن یعنی چه تنها تصور می کردند وطن شهر یا دهی است که انسان در آنجا زائیده شده است." (۱۰)

وقتی عارف تصنیفی می ساخت و آن را در کنسرت های خود - که تازه در تهران باب شده بود - می خواند، به سرعت انتشار می یافت و سر زبانها می افتاد. آوازه خوانان می خواندند، بچه ها می خواندند، دختران در خانه می خواندند و همین حال را می داشت تصنیفهای دیگر او. (۱۱)

از ویژگیهای کار عارف، این است که آهنگ و شعر را خود شخصاً می ساخت و این امر پیوستگی عجیبی بین کلام و نغمه ایجاد می کرد. پیش از او علی اکبر شیدا و پس از او امیر جاهد به این روش تصنیف خلق کرده اند. نگرش به آثار عارف از بُعد زیباشناختی و تلفیق شعر و موسیقی، از اینکه هر دو ساخت شخص و واحدی است، حائز اهمیت است.

روح الله خالقی درباره ارتباط آهنگ و شعر تصنیفهای عارف می گوید: "در تصنیفهای عارف، آهنگ و شعر چنان به هم پیوسته است که یک مفهوم در ذهن جایگزین می شود. وقتی می گوید: "چه شورها که من به پا ز شاهناز می کنم"، آهنگ در پرده شور است و علاوه بر اینکه کلمه شور و شهناز را بسیار مناسب انتخاب کرده، نغمه او آن چنان زیباست که راستی شوری در دل به پا می کند." (۱۲)

او حدود ۲۵ تصنیف ساخت که در بین آنها چند تصنیف عاشقانه هم وجود دارد. روش عارف چنان بود که هر تصنیفش دارای چند بند بود. بند اول با

وصف طبیعت و مغالزه شروع و بندهای دیگر به سیاست کشانده می شد. اصل ملودی در همه بندها یکی بود و این، کلام بود که عوض می شد. او این تصانیف را با غزلهایی که خود سروده بود، همراه و در کنسرت های اجرا می کرد. از کنسرت های معروفش، کنسرت رجب ۱۳۴۰ق. به یاد مرحوم کلنل پسیان در تهران، حوت ۱۳۰۲ق. در تبریز به یاد ستارخان و باقرخان و رشادتهای آنها در انقلاب، و کنسرت ۱۳۳۹ق. در مشهد آوازه بیش تری دارد. لازم به ذکر است که اکثر اجراهای عارف، با تار شکرالله قهرمانی معروف به شکری همراه بود.

با آنکه ضبط صفحه های گرامافون حدود سال ۱۳۲۳ق. در ایران متداول شد و از صدای هنرمندان آن دوره صفحه هایی پُر شد، ولی از صدای عارف اثری ضبط نشد. علی اکبر شهنازی می گوید:

"عارف آدم عصبانی ای بود. او می گفت: من بروم پیش هامبارتسوم (۱۳) و او به من افاده به خرج بدهد که من می خواهم فلان قدر به تو پول بدهم و صدایت را ضبط کنم. من اصلاً به پول او احتیاجی ندارم." (۱۴)

جواد بدیع زاده، خواننده معروف می گوید:

"به علت اشتغالات سیاسی یا طبیعتی که در عارف موجود بود، هیچکس نتوانست از خود عارف صفحه ضبط کند. شاید فکر می کرد به اعتبار و شهرت سیاسی او لطمه می خورد یا خط اصلی کارش نبوده است." (۱۵)

به هر حال تا به امروز صدایش اثری در دست نیست و بیش تر آثار او را هنرمندان دیگر در دل شیارهای صفحه ضبط کرده اند. این اجراها، معمولاً بند اول را - که سیاسی نبود - در بردارد و با فاصله زمانی نسبتاً کمی از ساخته شدن آنها ضبط شده است. عارف، حنجره انقلاب مشروطه است. زیرا هر یک از تصانیفش درباره واقعه خاصی ساخته شده است و از این حیث مطالعه آثارش به نوعی، بررسی وقایع حیات وی بخصوص وقایع مشروطه است و معرف تاریخ گویای پانزده سال اول مشروطه می باشد.

در این گفتار، سعی شده تا شأن نزول تعدادی از معروف ترین آثار عارف و اجراهای مختلف آن، چه در صفحه و چه اجراهای رادیویی، به عنوان مصادیقی از سند مورد بررسی قرار گیرد.

۱- تصنیف ای آمان:

ای آمان از فراق آمان

مردم از اشتیاق آمان

از که گیرم سراغت آمان

آمان - آمان - آمان - آمان (۱۶)

این اولین تصنیف وطنی عارف است که آن را در ورود فاتحان ملی به تهران در سال ۱۳۲۶ق. ساخته؛ این همان تصنیفی است که اولین بار کلمه "مشروطه" در بیت:

یوسف از چه به کنعان آمد

دور مشروطه خواهان آمد

در آن به کار برده شده است. از این اثر در دوره قاجار صفحه ای تهیه نشده، اما در زمان ما استاد فرامرز پایور که این تصنیف را از خواننده های معمری چون عبدالله خان دوامی شنیده بودند، برای ارکستر سازهای سنتی در شور تنظیم و یک بار با صدای محمدرضا شجریان و بار دیگر با آوای شهرام ناظری ضبط کرده اند.



برجسب صفحه دل هوس

۲- تصنیف از خون جوانان وطن:
 هنگام می و فصل گل و گشت چمن شد
 دربار بهاری تهی از زاغ و زغن شد
 از ابر کرم خطه ری رشک ختن شد
 دلنگ چو من مرغ قفس بهر وطن شد
 چه کج رفتاری ای چرخ
 چه بد کرداری ای چرخ
 سرکین داری ای چرخ
 نه دین داری نه آئین داری ای چرخ
 از خون جوانان وطن لاله دمیده
 از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
 در سایه گل بلبل ازین غصه خزیده
 گل نیز چو من در غمشان جامه دریده
 چه کج رفتاری ...

یکی از مشهورترین و زیباترین تصنیفهای عارف است که در سالهای اول انقلاب به یاد اولین قربانیان راه آزادی در تهران ساخته شده است. عارف به مناسبت علاقه زیادی که حیدرخان عمواغلی به آن داشت، به یادگار در دیوانش ثبت کرده است. حیدرخان به دلیل رشادتهایی که در انقلاب مشروطه از خود نشان داده بود، مورد تقدیر عارف بود تا آنجا که او را چکیده انقلاب می دانست. این اثر - که در دشتی است - از اولین آثار عارف است که در دوره قاجار در صفحه گرامافون شماره (۱۲۵۸۱-۱۴) شرکت "کمپانی گرامافون" با صدای خواننده ای به نام زری، به همراهی تار آرشاک خان در سال ۱۲۹۱ش. ضبط شده است. در سال ۱۳۳۷ روح الله خالقی این اثر را برای ارکستر تنظیم کرد و در برنامه گلهای رنگارنگ شماره ۲۴۶ اجرا شد. اما آخرین اجرای آن، مربوط به اولین کنسرت استاد پایور بعد از انقلاب اسلامی در تیر ماه ۱۳۵۸ است که توسط محمدرضا شجریان، به یاد شهدای انقلاب اسلامی اجرا گردید.

۳- تصنیف دل هوس:

دل، هوس سبزه و صحراندار
 میل به گلگشت و تماشا ندارد
 دل، سر همراهی با ما ندارد
 خون شود این دل که شکیباندارد ...

پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، او با حمایت سفارت روس و انگلیس و پروتکل مشترک ۱۹۰۹م. با دریافت مقرری به روسیه رفت. اما از همان لحظه، وسیله ای بود در اختیار روسیه برای توطئه با عنوان بازیابی سلطنت. محمدعلی شاه به کمک ترکمنها و همراهان، حملات خود را شروع کرد و برادرش سالارالدوله هم از سمت کرمانشاه حرکت کرد. قوای محمدعلی شاه از سه طرف به سوی تهران در حرکت بود، ارشدالدوله - که فرماندهی بخشی از قوا را داشت - دستگیر و اعدام شد و قوایش متفرق شد. سالارالدوله نیز که با کمک ایلات غرب و پذیرش سردار اکرم در رجب ۱۳۲۹ق. وارد کرمانشاه شد و تلگرافات تهدیدآمیزی به مرکز ارسال داشت، در مقابله با قوای دولتی به فرماندهی بیرم خان و سربازان بختیاری شکست خورد. محمدعلی شاه هم قبل از او به اتفاق برادرش ملک منصور میرزا شعاع السلطنه، به روسیه متواری شد. (۱۷) بدین سان کوشش محمدعلی شاه برای بازیافتن سلطنت از دست رفته،

حاصلی نداشت.

اثر فوق الذکر - که در آواز ابو عیاض - درباره این قضیه در سال ۱۳۲۸ق. ساخته شد و در آن، عارف آزادیخواهان را به فداکاری دعوت کرد. این تصنیف راه چهار خواننده در سال ۱۲۹۱ش. در تهران با مشخصات زیر روی صفحه های گرامافون شرکت "کمپانی گرامافون" ضبط کرده اند:

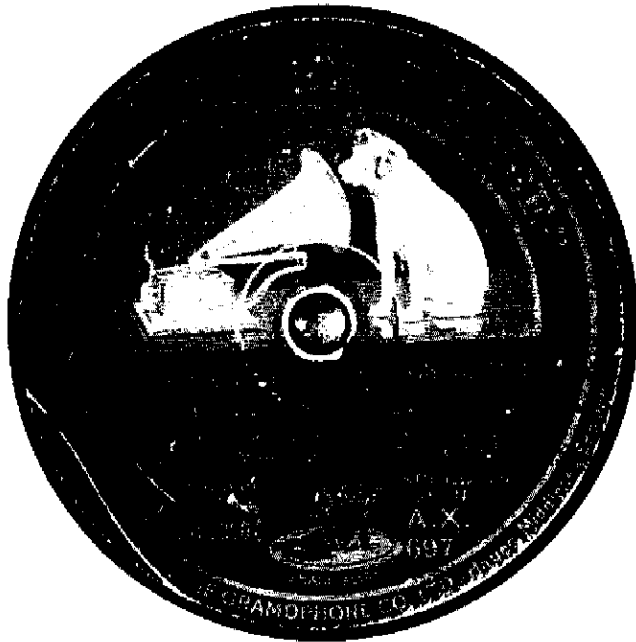
- ۱- حاجی محمد خان، با کمانچه حسین خان در صفحه شماره (۱۴-۱۲۶۷۵)
- ۲- امجد، در صفحه شماره (۵-۱۳۷۶۷)
- ۳- زری، با تار آرشاک خان در صفحه شماره (۱۴-۱۲۵۹۸)
- ۴- افتخار، در صفحه شماره (۵-۱۳۱۵۱)

در سالهای بعد، این اثر با تنظیم جواد معروفی در گلهای رنگارنگ شماره ۳۲۱ ضبط شد. اجرای دیگری با صدای شهرام ناظری همراه با گروه اساتید در دسترس می باشد.

۴- تصنیف شوستر:

نگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود
 جان نثارش کن و مگذار که مهمان برود
 گر رود شوستر از ایران، رود ایران بر باد
 ای جوانان مگذارید که ایران برود ...

مورگان شوستر طبق تلگراف رسمی حسینقلی نواب، وزیر خارجه وقت، به سفیر ایران در واشنگتن در سال ۱۳۲۸ق. و برجسب رأی نمایندگان دوره دوم مجلس شورا ... با چندین آمریکایی دیگر، برای اداره امور خزانه داری ایران استخدام شده بود. شوستر و همراهان در دوازدهم جمادی الاول ۱۳۲۹ق. - که کابینه میرزا حسن مستوفی الممالک بر سر کار بود - وارد تهران شدند و پارک اتابک (سفارت شوروی) جهت محل کار آنان اختصاص یافت. شوستر، از بدو



برچسب صفحه‌چه شورها

اما درست یکسال بعد یعنی ۱۲۹۱ش. در تهران، این اثر را دو خواننده به نامهای امجد در صفحه‌ شماره (۱۳۱۶۱-۵) و افتخار در صفحه‌ شماره (۱۲۵۶۴-۱۲) از تولیدات "شرکت گرامافون" ضبط کردند.

۵- تصنیف گریه را به مستی:

گریه را به مستی بهانه کردم
شکوه هاز دست زمانه کردم
آستین چو از چشم بر گرفتم
سیل خون به دامان روانه کردم...

تصنیف فوق که در نغمه‌ دشتی است، در سال ۱۳۲۸ق. ساخته و پرداخته شده است. در این اثر، عارف در بیته می گوید:

شد چو ناصرالملک مملکتدار
خانه ماند و اغیار لیس فی الدار

مستقیماً به نایب السلطنه ایران، ناصرالملک همدانی دشنام می دهد. بعد از انتشار، این تصنیف به گوش ناصرالملک می رسد و به بیرم خان دستور می دهد عارف را دستگیر کنند. عارف هم چند روزی در شاه عبدالعظیم مخفی و سپس به اصفهان می رود. این تصنیف یادگار روزگار هرج و مرج دوره احمدشاه است.

نگارنده، صفحه‌ ای از اجرای این اثر در دوران قاجار ندیده است، اما این اثر در سال ۱۳۳۹ش. با آواز عبدالوهاب شهیدی و تنظیم جواد معرفی، در گلهای رنگارنگ شماره ۲۶۶ اجرا شده و همچنین اجرای دیگری با صدای محمدرضا شجریان با تنظیم استاد پایور در دسترس می باشد.

۶- تصنیف چه شورها:



روح الله خالقی

ورود خود با مخالفت وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار دولت روسیه تزاری مواجه شد، تا بالاخره به اولتیماتوم ۱۹۱۱م. منجر گردید و به خدمت مشارالیه خاتمه داده شد. (۱۸)

دولت روسیه چون وجود شوستر را در ایران بر خلاف منافع خود می دید، اولتیماتومی فرستاد مبنی بر اینکه دولت ایران می باید مستشاران مزبور را از ایران اخراج کند و پس از آن نیز بدون رضایت روس و انگلیس، از خارجه مستشار نخواهد. شوستر - در مدتی که در تهران بود - اصلاحات مهمی انجام داد. او در بیستم محرم ۱۳۳۰ق. از ایران رفت و ۴۸ سال بعد در خرداد ۱۳۳۹ش. در سن ۸۳ سالگی در نیویورک درگذشت. کتاب اختناق در ایران، تألیف اوست.

عارف، وجود او را برای سر و سامان دادن به وضع ایران لازم می دانست و از اخراج وی بسیار تأسف می خورد. او، این تصنیف را در دشتی ساخت و در کنسرت تهران با تار شکری اجرا کرد.

عبدالله دوامی خواننده‌ او آخر دوره قاجار، نقل می کرد که وقتی برای ضبط صفحه به اتفاق درویش خان عازم تغلیس بوده است (سال ۱۳۲۹ق. یعنی درست سال ساختن این تصنیف)، عارف به گاریخانه رفته بود که مراسم خداحافظی را انجام دهد. در حین خداحافظی به دوامی گفته بود تصنیف شوستر را در صفحه بخواند. دوامی ذکر می کند هنگامی که به تغلیس رسید، خواهش عارف را به آگاهی درویش خان رساند و او گفت عارف وارد سیاست است و ما نیستیم، و از این کار سر باز زده بود. دوامی که خواسته بود روی عارف را زمین نیندازد، در یکی از جلسات ضبط صفحه بین ساز و آواز ناگهان شروع به خواندن تصنیف شوستر کرده که درویش از شدت عصبانیت با مشت پوست تار را پاره کرده و استودیو را ترک می کند. پس از چندی سرانجام دوامی درویش را متقاعد می سازد که تصنیف غیرسیاسی از عارف خوانده شود و صفحه‌ افشاری (از کفم رها) ضبط می شود. (۱۹)



غلامحسین بنان



برچسب صفحه‌ای دست حق

هیزماسترزوویس (HMV) ضبط شده است.

در روزگاران بعد، استاد غلامحسین بنان یک بار در سال ۱۳۲۶ش. با آرکستر ابراهیم خان منصوری در صفحه شماره (OHB-۱۱۳۶-۳۷RR.۲۸) و بار دیگر در سال ۱۳۳۶ش. با آرکستر رادیو و تنظیم روح الله خالقی، آن را در گلهای رنگارنگ شماره ۲۴۹ اجرا کرده است. اجرای دیگری از این اثر با صدای اقبال آذر در دسترس می باشد.

۷- تصنیف گریه کن:

گریه کن که گر سیل خون گری، ثمر ندارد
 ناله ای که ناید ز نای دل، اثر ندارد
 هر کسی که نیست اهل دل، ز دل خیر ندارد
 دل ز دست غم مفر ندارد
 دیده غیر اشک تر ندارد
 این، محرم و صفر ندارد...

تصنیف دشتی گریه کن را، عارف به یاد دوست خود کلنل محمدتقی خان پسپان سروده است. محمدتقی خان، در سال ۱۳۰۹ق. در تبریز متولد شد. اجداد او وقتی که قفقاز پس از جنگ ۱۲۴۳ق. از ایران جدا شد، به ایران مهاجرت کردند و در آذربایجان مستقر شدند. محمدتقی خان، در سال ۱۳۲۴ق. در تهران به مدرسه نظام رفت و به درجه سلطانی رسید. سال ۱۳۳۶ق. به برلن رفت؛ ابتدا در هوانوردی و بعد در پیاده نظام مشغول خدمت شد و در ضمن خدمت، ریاضیات عالی و موسیقی علمی را فراگرفت. پس از بازگشت از برلن، در دولت مشیرالدوله به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد و در همین زمان قوام السلطنه، سمت استانداری خراسان را داشت. هنگامی که سید ضیاءالدین پس از کودتای ۱۲۹۹ش. به رئیس الوزرائی رسید، به کلنل دستور داد قوام را

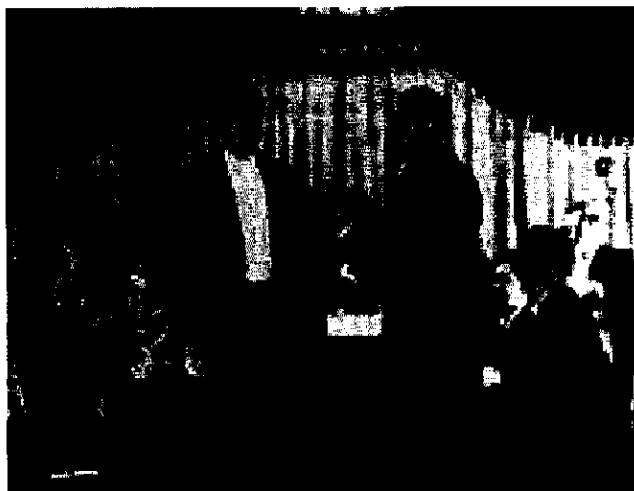
چه شورها که من به پاز شاهناز می کنم
 در شکایت از جهان به شاه، باز می کنم
 جهان پر از غم دل از - جهان پر از غم دل از
 زبان ساز می کنم - می کنم...

وقتی روشنفکران ایران به عثمانی مهاجرت کردند، در آن هنگام زمام امور کشور در دست فرقه ترک اوجاچی منسوب به ترکهای جوان بود. اینان شش سال پیش از جنگ در رأس حزب اتحاد و ترقی، توانستند سلطان عبدالحمید پادشاه سنتی و مستبد شرقی را به صدور فرمان مشروطیت وادارند. آنگاه همین شاه را هم کنار نهادند و سلطان محمد درویش مسلک گوشه گیر را خلیفه کردند. مهم ترین اصل در مرام فرقه ترک اوجاچی رهبران عثمانی آن روز، از این قرار بود: حفظ مملکت پهناور عثمانی و گسترش آن تا حد مرزهای تاریخی و نژادی. آنها خیال داشتند پس از تصرف آذربایجان از قسمت باریک خزر بگذرند و با تصرف ترکستان، امپراتوری چنگیز خان را تجدید کنند، زیرا خود را از نژاد چنگیز می دانستند. بنابراین فکر اتحاد اسلام و احیای خلافت اسلامی در دست نژادپرستان ترک، فقط وسیله ای برای اعمال سیاستهای یاد شده بود. (۲۰)

عارف، در اواخر سال ۱۳۳۶ق. در استانبول در پی آشکار شدن خیالات ترکها نسبت به آذربایجان، این تصنیف بسیار زیبا را ساخت. او در این اثر از حکومت موقتی - که به خاطر کسب حق پناهندگی در مقابل ادعای حکومت عثمانی خاموش بود - دل کند و گفت:

حکومت موقتی چه کرد؟ به که نشنوی
 گشوده شد در سرای جم به روی اجنبی

این اثر بسیار لطیف، ابتدا در اوایل سال ۱۳۰۶ش. با آواز قمر و تار ارسلان در گاهی در صفحه شماره (۷.۱۳۳۴) شرکت بولیفون ضبط شد و بار دیگر در دیماه ۱۳۰۶ش. با آواز ایران الدوله، در صفحه شماره (AX۶۹۷) شرکت



روح الله خالقی و غلامحسین بنان در حال اجرای کنسرت

پی‌نوشتها :

- ۱- برای اطلاعات بیش تر بنگرید به: مستوفی، عبدالله اشرف زندگانی من. - تهران: زوار، ۱۳۴۱، ج ۱، همچنین آدین پور، یحیی از صبا تا نیما. - تهران: فرانکلین، ۱۳۵۴، ج ۲.
- ۲- لغتنامه دهخدا، ذیل کلمه تصنیف.
- ۳- ملاح، حسینعلی تصنیف چیست؟ مجله موسیقی، دوره سوم، ش ۱۲، ص ۲۸.
- ۴- ادوارد بر اون تاریخ ادبیات ایران. - تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۳۵، ج ۲، ص ۱۶۸.
- ۵- خالقی، روح الله سرگذشت موسیقی. - تهران: صفی علیشاه، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۳۰۶.
- ۶- برای آگاهی از زندگی عارف بنگرید به: تاریخ حیات عارف به قلم خودش مندرج در دیوان عارف، به کوشش سید هادی حایری. - تهران: جاویدان، ۱۳۶۴، ص ۶۳.
- ۷- مصاحبه با علی اکبر شهنازی، بر نامه رادیویی گلچین هفته، ش ۱۰۲.
- ۸- یوسفی، غلامحسین اجشمة روشن. - تهران: علمی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۵.
- ۹- سپانلو، محمدعلی اچهار شاعر آزادی. - تهران: نگاه، ۱۳۶۹، صص ۴۸ و ۴۹.
- ۱۰- دیوان عارف، به کوشش سید هادی حایری. - تهران: جاویدان، ۱۳۶۴، ص ۳۳۲.
- ۱۱- کسروی، احمد ادر پیرامون ادبیات. - تهران: آزادگان، ۱۳۲۲، ص ۵۲.
- ۱۲- خالقی، روح الله تصنیفهای عارف. - مجله پیام نوین، ش ۸، خرداد ۱۳۳۳، ص ۴۱.
- ۱۳- هامبارتسوم هابر ایتیان، پدر کرناهریشه تئاتر، نماینده صفحه پرکتی در کویه فیلمخانه لاله زار بود.
- ۱۴- علی اکبر شهنازی، پیشین.
- ۱۵- بهروز، شاپور اچهره های موسیقی ایران. - تهران: کتابسرا، ۱۳۶۷، ص ۴۰۳.
- ۱۶- به علت رعایت اختصار، تنها فراز اول هر تصنیف ذکر گردید. علاقه مندان می توانند شعر کامل و بندهای دیگر را در دیوان عارف ملاحظه کنند.
- ۱۷- مدنی، سید جلال الدین تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران. - تهران: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۹.
- ۱۸- مکی، حسین تاریخ بیست ساله ایران. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸، ج ۱، پاورقی ص ۲۴.
- ۱۹- سپنتا، دکتر ساسان اجشمة انداز موسیقی ایران. - تهران: مشعل، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶.
- ۲۰- سپانلو، محمدعلی اعازف، شاعر ترانه ملی. - تهران: آگاه، ۱۳۶۵، ص ۲۵.
- ۲۱- برای اطلاعات بیش تر بنگرید به: آذری، سیدعلی اقیام کلنل محمدتقی خان پسیان. - تهران: صفی علیشاه، ۱۳۵۲.
- ۲۲- دیوان عارف، ص ۴۱۱.

*سپاس فراوان از آقای دکتر کیانوش کبانی هفت لنگ، معاون محترم اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که نگارنده را به نوشتن این مقاله تشویق کردند.
 **تشکر ویژه از دوست عزیزم آقای مهندس امیر منصور که آرشبو صفحات خود را، سخاوتمندانه در اختیار نگارنده قرار داده و نکات ارزنده ای در این باره یادآور شدند.

دستگیر کند و به تهران بفرستد تا بادیگر رجال او را زندانی نمایند. کلنل هم، چنین کرد. اما بعد از اینکه کابینه سید ضیا سقوط کرد، قوام به نخست وزیری رسید. آزادیخواهان خراسان، در ذیحجه ۱۳۳۹ق. به رهبری کلنل برضد امپریالیستهای بیگانه قیام کردند. قوام - که از کلنل کینه ای در دل داشت - سران عشایر را برضد قیام تحریک کرد و با اعزام قشون به خراسان، روز اول صفر ۱۳۴۰ق. کلنل را در نزدیکی قوچان به قتل رساند.

عارف، از زمان مهاجرت با کلنل آشنا و دوست شده بود. تا اندازه ای هم به افکار و عقاید و روحیه کلنل پی برد و فهمیده بود، جوانی است پر جرأت، کار آمد و ضعیف نواز، و از همه مهم تر، دارای احساسات عالیة اسلامی. (۲۱) تصنیف گریه کن راه، عارف به یاد سرباز وطن دوست در کنسرت ۱۳۴۰ق. در گراند هتل با تار شگری خواند. عارف تا پایان عمرش تکرار می کرد که قتل کلنل کمرم را شکست و بزرگ ترین قسمش، قسم به روح کلنل بود. این اثر پرشور، اول بار در سال ۱۳۰۵ش. با صدای قمر و تار مرتضی نی داود در صفحه شماره (AX355) شرکت هیز ماسترزوویس (HMV) ضبط شد و سالها بعد مرحوم خالقی آن را برای ارکستر تنظیم کرد که با صدای آسمانی بنان، در برنامه گلهای رنگارنگ شماره ۱۲۶۶ اجرا شده است. اجرای دیگری از آن، با صدای عبدالوهاب شهیدی با ارکستر فرامرز پایور موجود می باشد.

۸- تصنیف ای دست حق:

ای دست حق پشت و پناهت، باز آ
 چشم، آرزومند نگاهت، باز آ
 وی توده ملت سپاهت، باز آ
 قربان کابینه سپاهت، باز آ

این تصنیف شور راه عارف برای سید ضیاءالدین طباطبایی ساخته است. سید ضیا، در کودتای ۱۲۹۹ش. در سن سی سالگی به نخست وزیری رسید. او، تمام سیاستمداران را به زندان افکند و اقدامات تازه ای نظیر لغو قرارداد ۱۹۱۹م. ایران و انگلیس، سیاست مستقل ملی و مبارزه با اشراف و ممنوع کردن فروش مشروبات الکلی در پیش گرفت. اما دولت نود و سه روزه وی - که به نام "کابینه سیاه" معروف شده بود - ساقط گردید.

در چنین زمانی، عارف به طرفداری از او برخاست و او را نجات دهنده ایران معرفی کرد. او علت طرفداریش را سه چیز می دانست: اول آنکه سید ضیا از طبقه عامه به مقام وزارت رسیده و طلسم اعیانی را در هم شکسته؛ دوم آنکه به واسطه فعالیت و جدیت خود، نمونه بارزی از لیاقت وزیر یا مدیر شایسته بودن را نشان داد و برای آبادانی کشور، گامهای بلندی برداشت؛ سوم آنکه داغ باطله به اشراف زد و داشت گریبان ملت را از دست این طبقه رها می کرد. عارف می گفت:

"می گویند سیاست خارجی او خوب نبوده، چون دشمنانش زیادند و تهمت در ایران فراوان است و آسان؛ پس من در واقعیت این اسناد شبهه خواهم نمود. اگر وقتی این اسناد صورت حقیقی پیدا کرد، البته گفته های خودم را پس گرفته و سید را خائن خواهم شناخت." (۲۲)

عارف، در شب بیست و دوم شعبان ۱۳۴۱ق. در تئاتر باقرآف در کنسرتی پر ازدحام، این تصنیف را خواند. قمر هم، با تار مرتضی نی داود در صفحه شماره (AX385) شرکت هیز ماسترزوویس (HMV) در سال ۱۳۰۵ش. آن را خوانده است.